

و جمع کلیات و فریات است و بیخ فزی از علم او برین نیت پس کل علی کلمه
صادق باشد در آنکه گویم که لفظ عام در آن کلمه نیز عام است و مقتضای آن کلیه
علی آن لفظ عام و بلفظ شیخ در آن الله بگفته بعد مثلا مخصوص است فاقم
أَصْحَابًا عَلَى فِطْرَةِ الْإِسْلَامِ وَ كَلِمَةَ الْآخِرَةِ مِنْ وَجْهِ الْمَلَأَيْنِ نَبِيْنَا
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ عَلَى تِلْكَ أَيْتَانَا أَنبَاءُ أَهْلِهِمْ حَسْبًا وَ مَا كَانَ
مِنْ الْمُشْرِكِينَ فِي الصَّبَاحِ وَ الْمَسَاءِ اطَّ وَ نَسِيَ الصَّبَاحِ فَقَطَّ وَ
در سنه امام احمد و دیگر طرازی است از حدیث عبدالرحمن ابن ابی برون
اصحی باین لفظ کان بعد از الصبح و الی الی رسول خدا این دعا در صبح
و مساجد آنرا و لهذا اشقیف بالار اصحی بر فرزندت صحیح مرقوم است تو که
وسن تقدیم و او بر فرزندش یعنی رستن نسی حوی است از جان عبدالرحمن
خواندنی موعود این دعا در صبح فقط و معنی دعا این است که داخل شد ایم
صبح و حال آنکه ثابت ایم بر نوع از صلیت که استعداد قبول دین اسلام دارد
و فطرة اسم خلق است که قابل دین حق است عالمی و ثابت ایم بر کلام خدا
لا اله الا الله محمد رسول الله است و کلمه توحید را کلمه اخلاص بر ابرار می گویند که
کل سبب خلاصی از آتش دوزخ میزند و کوفتی که موعود است یا خلاصی ثابت ایم برین
نسی با کرم است صا الیه هدیه است که از الطریقیه و این گفتن از آن حدیث در است
و در است است زیرا که آن حدیث نیز مامور است با کلمه جان آورد نفس بنفس حق
خدا جدا کرده و جوار میبودن نزد شما دین فرمودن آن حضرت و انا و انما برای آنکه آن
نفس موعود است بجا و خلق و آن حضرت بهترین خلق خداست ثابت ایم بر ملت
هم را که حضرت ابراهیم است ابوت حضرت ابراهیم است بعبودیت و اضع است زیرا که

عرب از فرزندان حضرت اسمعیل بن حضرت ابراهیم است که نسبت به تمام
آنکه هر بنی بر امت خود است که در این است بر توحید است که در این
حضرت ابراهیم که بر آن حضرت است بر امت آن حضرت است نسبت که علم است
یا برای تعلیم توحید را که بر بساط است و معلوم نیز است که در این است
با برای تعظیم در حال که حضرت ابراهیم است باین است بسوی دین حق صفت
در شرع ضد حدیث که باین است بسوی دین باطل را که صفت الی الی در حدیث
معنی میل مطلق است لیکن هر یک در شرع مخصوص است و در حال که در حدیث
هم در ادعای دین و هم در نفس و قدر آن و مخصوص است در حدیث صفت است
بسوی غیر حق نیست کدی که چون آنرا اختیار شد است حضرت جبرئیل بسید
الک حاجت گفت انا الیک فلا جبرئیل گفت قل ربک گفت حسنی عن
سوالی علیه بجا که در این نعت توحید دعای توحید است در حال که موعود است
در تمام موعود از مشرکان نه مشرک جانده مشرک خفند نسبت بر بود و نصرت
که نسبت است که بر حضرت ابراهیم مکرر پس هر یک از شما را که من
الذکرین نزال است مترادف با توحید است یا حی یا قیوم یا محمد
أَسْتَعِثُّ أَصْلِحْ لِي شَأْنِي فَلَمْ يَلَمْ وَلَا يَكْتَلِبْ لِي لِقَاءَ ظَنِّ عَيْنِي
اللَّهُمَّ أَنْتَ سَمِيعٌ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَمْدُكَ
فَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا أَسْعَفْتُكَ وَأَنْتَ لَكَ عِمْرُكَ
عَلَى وَأَنْتَ وَهْلُ نَبِيٍّ فَأَعْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَعْصِيَنَّكَ إِلَّا
أَنْتَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتَ شَانَ يَكُونُ عَمْرُ
بِالْبَلْفِ يَسْتَوْوُكُلُ وَ كَوَّلُ وَ كَالْتِ بَحْرُ سَمِ دَنْ زِيَابِ فَرْبِ طَرَفِ كَالْفَرْبِ

عبر